



اسرار صیام – قسمت پنجم: علل احکام روزه

همانطور که پیش از این اشاره شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرع خود را جهت اصلاح قوایل بندگان آورده و به حکمت و مرحمت خود هر عملی که به مصلحت خلق دیده امر فرموده و هر چه صلاح نبوده نهی نموده است.

از جمله اوامر آن حضرت (ص) روزه گرفتن است تا به آن واسطه حیوانیت ما اصلاح شده و روح انسانی قوت پیدا کند و ماه مبارك رمضان را به جهت فضیلت آن اختیار فرمود، ولکن احوال امت مختلف است و شارع حکیم یک حکم را برای همه و در همه حال تجویز نمیفرماید.

از این جهت برای روزه گرفتن احکام جزئیة ای بیان فرمود و حکم آن را در شرایط مختلف متفاوت قرار داد، چنانکه اگر روزه در شرایطی ضرر داشته و موجب خرابی خلق میشد آن را حرام فرموده و اگر ضررش جزئی بوده مکروه داشته و هرگاه که مانعی نداشت مستحب نموده و آن مقدار که از شروط صحت ایمان و اصلاح ابدان بوده واجب فرموده است که در آن هم باز احکامی برای صاحبان اعداز قرار داد تا با قضا کردن در وقتی دیگر، آنچه مقصود است حاصل نمایند.

حال از این احکام جزئیة بعضی نسبت به خود شخص است، بعضی نسبت به شخصی دیگر و بعضی نسبت به اوقات.

اما نسبت به خود شخص:

یکی روزه گرفتن در حال **طفولیت** است که منع فرموده، چرا که کودکان نیازمند پرورش نباتیت و

حیوانیت خود هستند تا با داشتن بدنی سالم مستعد روحی سالم گردند. بنابراین روزه که موجب خشکیدن رطوبات و مانع از رشد کودکان میشد، از ایشان منع شده تا به حد بلوغ برسند و قوت لازمه را برای این ریاضت الهی داشته باشند.

یکی روزه **مسافر** است که برداشته شده و امر به قضاء در وقت دیگری فرموده تا سختی های سفر افزون نگردد و مانع از هدفی که برای آن سفر نموده اند نشود چنانکه نماز را هم برای مسافر مختصر نموده اند مگر کسی که نیت حرامی از سفر خود دارد که از باب تأدیب باید روزه بگیرد و نماز خود را تمام بخواند.

و همچنین **مریضی** که با روزه مرضش شدت می یابد یا **کسی که ترسان از ضرر صیام** است نباید روزه بگیرد، چون در این حال نقض غرض خواهد شد چرا که مقصود از روزه اصلاح ابدان است نه افساد آن.

و همچنین **حایض** روزه نمیگیرد چرا که اولاً به جهت خونی که از او دفع میشود روزه موجب افزون شدن ضعف اوست و ثانیاً در آن حال، گرسنگی صفا را به هیجان آورده و مزاجش را فاسد میکند و ثالثاً به جهت کثیفی و ناپاکی اگر ریاضتی بکشد شیاطین نزدیک او میشوند نه ملائکه.

از این جهات پیغمبر حکیم صلی الله علیه و آله روزه را از زنان حایض برداشت و امر فرمود که در وقت طهارت قضا کنند.

اما آنچه که نسبت به شخص دیگری است (در غیر ماه رمضان):

یکی روزه گرفتن زن بی اذن شوهر است چرا که بسا حاجتی باو داشته باشد و روزه مانع آن شود.

و روزه مهمان بی اذن صاحب خانه است چرا که محتمل است میزبان تدارکی دیده باشد و زحماتش فاسد گردد و همچنین روزه صاحب خانه بی اذن مهمان سزاوار نیست چرا که بسا مهمان از غذا خوردن خجالت بکشد.

و روزه فرزند بدون اجازه پدر است چرا که پدر بیش از فرزندش صلاح و فساد مزاج او را میداند.

و روزه صمت را هم نهی فرموده اند یعنی “سکوت کردن در روز” به جهت شبیه نشدن به کفار و اینکه تکلم از صفات انسانی است و امور او بنطق میگذرد که منع آن موجب ضعف انسانیت میشود نه حیوانیت.

البته بایست همیشه در آن اعتدال را رعایت نمود و قطعاً تکلم بسیار هم خوب نیست و کلام بیهوده گفتن هم پسندیده نیست.

اما آنچه که نسبت به زمان هاست:

یکی صیام **عید فطر** است که آن را حرام فرموده، چون پس از یک ماه روزه داری و امساک از مفطرات، خداوند عید فطر را قرار داد تا بندگان عیشی داشته باشند و همچنین فرموده که برای خطبه و

نماز فطر جمع شوند که ممکن است که برای کسی در حال روزه سخت باشد.

و همچنین صیام **عید قربان** است که حرام شده به جهت آنکه دوست داشته مردم از قربانی ها بخورند که اگر صائم بودند نمی توانستند.

و روزه **وصال** حرام است (یعنی روزه گرفتن دو روز متوالی بدون افطار)، چراکه صلاح بدن در آن نیست و بسا انسان هلاک شود.

و روزه **دهر** (روزه گرفتن همه ایام سال) حرام است چرا که خداوند عالم صلاح بدن را در اکل و شرب قرار داده و اگر بکلی ترک نماید بدن نابود خواهد شد.

و روزه **روز عاشورا** است چرا که روز مصیبت اهل بیت است و دشمنان آل محمد آن روز را با روزه گرفتن تبرک گرفتند پس دوست باید آن روز را شوم بگیرد و با روزه گرفتن تشبه به اعداء پیدا نکند.

و همچنین در برخی از ایام، روزه گرفتن **مستحب مؤکد** است که ذکر همه آنها مطلب را طولانی میکند اما به چند مورد اشاره میکنم:

یکی روزه **سه روز در هر ماه** است بجهت اینکه خداوند در قرآن مجید فرموده **مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا** یعنی هر کس عمل نیکی بیاورد ده برابر آن محسوب میگردد، پس هر کس سه روز در هر ماه روزه بگیرد چنان است که تمام ماه را روزه گرفته.

و همچنین روزه **ماه رجب و شعبان** است که حتی روزه های قضا را هم خوب است در این دو ماه بگیریم به جهت **فضلی که برای این دو** است و پیش از این گفتیم که هر وقتی از اوقات که شریفتر باشد عبادت کردن در آنها افضل است و ثواب آن مضاعف میگردد.

و صیام **روز غدیر** مستحب است بجهت اینکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر را بخلافت نصب فرمود و توبه حضرت آدم آن روز قبول شد و حضرت ابراهیم آن روز از آتش نجات یافت پس روزه گرفت بجهت شکر خداوند و حضرت موسی آن روز هرون را جانشین قرار داد و حضرت عیسی آن روز شمعون صفا را وصی فرمود و هیچ وصی وصی نشد مگر آن روز را روزه گرفت و بر امت است که محض شکر خداوند بر این نعمت آن روز را روزه بگیرند.

و همچنین در هر روزی که وجه کراهتی یا حرمتی نداشته باشد روزه آن مستحب است چراکه نفس روزه گرفتن، عملی ممدوح است نهایت در بعضی ایام افضل از ایام دیگر می باشد.

خلاصه جزئیات احکام بسیار است و علل هر کدام لاتعد و لاتحصی است.

در این مطلب صرفاً به اختصار برخی را که در کتب حکمای الهی ذکر شده و به عقول ناقصه ما میرسید عرض کردم تا نمونه ای باشد از علم و حکمت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و رحمت عامه ایشان و تعقل کنیم که چنین شریعتی خود دلیل بر حقانیت آن حضرت است که شخص منصف را از سایر ادله و معجزات بی نیاز میکند.